

شخصیت قضائی

[دادرسان - تحصیل علم حقوق - دوره دکتری در حقوق - وکلاء دادگستری]

قضاة یا دادرسان

قضاة در حقیقت بزرگان عالی مقامی هستند و شغل برجسته و درخشانی در دست دارند و افتخارات دادرسان عالی مقام زیاده از حد و احترامات قضاة انگلستان بهترین یادآوری و پیروی آن نتایج عالیه کشور را دربر دارد. تعداد قضاة نسبت بسایر کارمندان کمتر و مقامشان بالاتر است. مصداق این بیان فقط در انگلستان و عدالت و قضاوت صحیح در آن کشور و نزد عامه مردم آن پرکنه ارزش بیشتری دارد. با داشتن علو مقام متصدیان مراحل قضائی بایستی در دست رس همه باشند تا پیوسته حاضر و ناظر اعمال مردم شوند. قضاة بایستی پخته کار و شغل شاغل و تنها کار و حرفه آنان قضاوت باشد.

تحصیل علم حقوق

دانشکده حقوق ما اصولی بدست دانشجویان میدهد و هنوز شعبات دکتری نداریم دانشکده حقوق ما بدرجه اعلی نرسیده پرگرام لیسانس اصول کلی از قسمتهای مختلفه حقوقی (از قبیل حقوق بین الملل عمومی و خصوصی - قانون مدنی - تاریخ حقوق - حقوق رم - علم اقتصاد و مواد دیگری که شرح و بسط کافی در آنها نمیشود) بدست داده و استادان و دانشجویان وقتشان همین قدر صرف نمودن پرگرام یعنی اصول و مقدمات میشود و دیگر وقتش را برای تعریفهای لازم و شرح و بسطهای ضروری برای توسعه اذهان دانشجویان ندارند و بالاخره فکر دانشجویان بطوری که شایسته است قوی نمیشود (این امر نه برای اینست که در پرگرام لیسانس نقصی باشد بلکه برای اینست که دوره لیسانس کافی نیست و دوره دکتری و تخصصی لازم است و چون فعلا نیست از این لحاظ ناقص است و چون تاب آنرا نمی توان آورد با صدای بلند و رسا حقه خود را که سداش دوره دکتری است به حقه خود از مقامات عالی

خواستاریم) چاره جز بیان نیست: بسیاری از داوطلبان امتحان دوره لیسانس بخوبی از عهده امتحان بر می آیند گواهی لیسانس را گرفته و بدون تخصص و تکمیل یکرشته و بدون اینکه دکتر یعنی صاحب عقیده باشند و بدون اطلاع کافی از رویه های قضائی و اطلاع بر منابع بیانات استادان وارد با استخدام دولتی میشوند و بجز برخی که واقعاً زحمت می کشند بواسطه آماده نبودن در مباحثات علمی یا فضلا خواهی نخواهی تحت الشعاع قرار می گیرند و این موضوع خستگی فکری و روحی بدست میدهد.

دوره دکترا در حقوق

بنا بر این تحصیلات حقیقی مرهون شرایطی است و پس از دانستن اصول علم حقوق بایستی حس جستجو و مطالعه ایجاد شود تا منابع گفته ها را از کتب متعدده دریافته تصهیقات قضائی را با یکدیگر مقایسه و دارای تصمیم قضائی شویم. خبط و خطای خود را دریابیم برای دانشکده پزشکی لایبرانوار - سالن تشریح و مریضخانه ضروری است برای دانشجویان حقوق هم که پزشکان روحی جامعه خواهند بود وسائل کار بطور کامل بایستی فراهم شود و روح جامعه ارزشش بیش از کالبد آن است. دانشجویان بایستی در امور مربوطه علماً و عملاً با استادان عالی مقام خود بیشتر کار کنند تا در واقع ضرورت حس موضوعات حقوقی را با علم بمحل مراجعه و استنباط قضائی آسانتر نمایند. رویه دول متحده آمریکا و انگلستان که امروزه از حیث علم حقوق نیز در درجه اول قرار گرفته اند بهترین سرمشق است. برای تشکیل و برقراری و ترتیب تعلیمات عالی حقوق مخصوصاً برای داوطلبان مناصب قضائی و سیاسی و وکالت دادگستری و غیره داشتن دوره دکترا چون موجب جدیت بیشتر داوطلبان خواهد بود از شرایط اصلی و ضروری بنظر میرسد. کنفرانسهای علمی از طرف دانشمندان حقوق مالازم است و برای اینکه تشکیلات بهتر باشد کافی نیست تنها قضاة با استعداد و مستقل و با صلاحیت داشته باشیم بلکه کارمندانی که وسائل کار را برای دادرسان فراهم می نمایند نیز بایستی بهتر شوند یعنی طاهر و پرهیز کار باشند و ایشان عبارتند از:

وکلاء دادگستری

وکلاء دادگستری و کارگشایان - مستخدمین اداری و دفتری - پاسبانان و دربانان و سایر کارمندان در خصوص وکلاء عالم درجه اول کار کرده و کار آزموده بجز تمجید چیزی نمی توان بیان کرد زیرا تحصیل کرده کار کرده . و با وجدان و در کار خود جدی و بالاخره قابل تحسین بوده و خواهند بود چه در شغل خود مهارت کامل را دارا میباشند .

لیکن باستثناء جمعی برخی هم معایب و نواقصی دارند و همان نواقص موجب خرابی و وارد شدن لطمه بحیثیات دانشمندان با وجدان است و البته بایستی برای آنهاهم علاجی پیدا کرد باین معنی که وکلاء دادگستری بایستی بقدری منزله و مبری باشند که هیچوقت از اوقات در دادرسی انتظامی وکلاء پرونده علیه آنان جریان نداشته باشد و بلکه آنان پیوسته مروجین حقیقی اخلاق و قانون بشمار روند و با دادرسان و موکلین و سایر افراد کشور بزرگترین کمک باشند و بالنتیجه بعقیده نگارنده چنانچه اولیاء امور در افتتاح دوره دکترای صحیح برای شعب دانشکده حقوق بخصوص رشته قضائی تسریع فرمایند تمام این نواقص رفع خواهد شد و آنها با توجه مقام منبع وزارت دادگستری خواهد بود و بنابر این عموم لیسانسیه های حقوق بذل مرحمت وزارت متبوعه را پیوسته خواستارند .

« جمال الدین عزیزی »